

باسمه تعالی

- ۲ **اوامر**
- ۲ **معنای امر**
- ۲ **مقام اول: معنای ماده امر**
- ۲ **مرحله اول: معنای لغوی امر**
- ۲ **ثنائی بودن معنای امر**
- ۳ **یک جمع داشتن ماده امر**
- ۳ **خلاف ارتکاز بودن یک جمع داشتن ماده امر**
- ۳ **عدم صحت تقسیم ماده امر به اشتقاقی و غیر اشتقاقی**
- ۴ **صحت تقسیم ماده امر به معنای اشتقاقی و عدم اشتقاقی**
- ۴ **انحصار معنای ماده امر در طلب**
- ۴ **انحصار معنای ماده امر در واقعه مهم**
- ۴ **انحصار معنای ماده امر در فعل**
- ۴ **جواب از انحصار معنای ماده امر**
- ۵ **مورد نقض در ادعای مرحوم آخوند**
- ۵ **شیء فی الجمله معنای دوم امر**
- ۵ **اطلاق امر بر احداث نه ذوات**
- ۵ **معنای امر، طلب و شیء فی الجمله مبهم**
- ۶ **معنای اصطلاحی امر**
- ۷ **انصراف از لفظ امر**

موضوع: معنای امر / مطلب اول / بحث اوامر

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد مقدمات مشتق و اصل بحث مشتق و همچنین در تنبیهات مشتق تمام شد. اکنون بحث در مورد مطالب امر است.

اوامر

معنای امر

بحث در مقصد اول از بحث اوامر است نظر به اینکه در خطابات شرعیه هم ماده امر احياناً آمده است مثلاً گفته میشود «آمرک بکذا» و هم صیغه ی امر آمده است (صیغه به عرض عریضش حتی جمله خبریه در مقام انشاء) فلذا بحث در اوامر را در دو مقام مطرح کرده اند مقام اول ماده امر و مقام ثانی صیغه امر است.

مقام اول: معنای ماده امر

مرحله اول: معنای لغوی ماده امر

مرحوم آخوند در کفایه به هفت مورد از معانی طلب اشاره کرده اند؛

- ۱- گاهی لفظ امر در مورد «طلب» استعمال می شود مثلاً می گوئیم «آمرک بکذا ای اطلب منک»
- ۲- یکی از موارد استعمال لفظ امر «شأن» است «شغلنی امر کذا» یعنی فلان شأن و حالت و موقعیت مرا به خود مشغول و سرگرم کرد.
- ۳- یکی از موارد استعمال کلمه امر «فعل» است
- ۴- یکی از موارد کاربرد واژه امر در مورد «فعل عجیب» است
- ۵- یکی از موارد استعمال لفظ امر «شیء» است
- ۶- یکی از موارد استعمال ماده امر «حادثه» است
- ۷- و یکی از موارد استعمال امر، «غرض» است

تنائی بودن معنای امر

اینکه معنای امر به معنای همه ای این امور باشد درست نیست زیرا در خیلی از این موارد اشتباه مفهوم به مصداق است مثلاً «جئتك بامر کذا» امر به معنای شیء است و مصداق شیء در این جا غرض بوده است فلذا خلط بین مصداق و مفهوم شده است و گفته شده است که معنای امر غرض است و این گونه اشتباهات در عرف متداول است. یا مثلاً «شغله امر کذا» در این جا امر

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۶۱.

به معنای شیء است و مصداق شیء در اینجا، حادثه و حالت مهمی است که رخ داده است و اشتباه مفهوم به مصداق شده است. فلذا اینکه صاحب فصول^۱ دو معنا ذکر کرده است و گفته به معنای شیء و شان است درست نیست بلکه در شان نیز اختلاف مفهوم به مصداق است.

بعید نیست که بگوییم امر دو معنا دارد یکی به معنای طلب است که معنای حدثی است و جمع آن اوامر است و یکی به معنای شیء است که معنای غیر حدثی است و جمع آن امور است فلذا از اختلاف در جمع آنها و همچنین اشتقاقی بودن یکی از آنها و عدم اشتقاقی بودن دیگری کشف میشود که ماده امر لا اقل دو معنا دارد.

یک جمع داشتن ماده امر

بعضی گفته اند ماده امر یک جمع بیشتر ندارد و آن جمع نیز امور است اینکه اوامر گفته میشود در حقیقت اوامر بر وزن فواعل است و جمع مصدر نیست بلکه اوامر جمع آمره است و مفرد آن آمره است مثلاً طالبة بر وزن طوالب جمع بسته میشود. و متعارف نیست که مصدر جمعش فواعل باشد فلذا این نکته اشتباه است که از دو جمع داشتن ماده امر، کشف از این مطلب میشود که دو معنا دارد.

خلاف ارتکاز بودن یک جمع داشتن ماده امر

به نظر ما اوامر جمع امر است و از لفظ اوامر امر های زیادی میفهمیم و عرفی نیست که اوامر جمع آمره باشد و آمره وصف صیغه ها باشد مثلاً وقتی گفته میشود «خالفت بعض اوامرک» عرفی نیست که گفته شود صیغه های امر کننده را مخالفت کردم. شاهد این مطلب این است که نمیتوان به جای «خالفت بعض اوامرک» گفته شود «خالفت بعض امورک»

عدم صحت تقسیم ماده امر به اشتقاقی و غیر اشتقاقی

ممکن است گفته شود اینکه مرحوم آخوند فرمود میتواند از امری که به معنای طلب است اشتقاقاتی را اخذ کرد اما امری که به معنای شیء است نمیتوان اشتقاقاتی را اخذ کرد، فلذا کشف میشود که امر به دو معنا است، درست نیست زیرا امر یک معنا بیشتر ندارد و دو مصداق دارد که یکی از آنها حدثی است و یکی از آنها غیر حدثی است و ولو اینکه امر قابل اشتقاق نیست ولی مصداقش چون قابل اشتقاق است فلذا از آن امر اشتقاق هایی انتزاع میشود.

۱ الفصول الغرّیة فی الأصول الفقهیة، محمد حسین الأصفهانی، ج ۱، ص ۶۲.

صحت تقسیم ماده امر به معنای اشتقاقی و عدم اشتقاق

ادعایی که صورت گرفت صحیح نیست زیرا خلاف ارتکاز است. وقتی که کلماتی مانند آمر و مامور و ... اخذ میشود به معنای غیر حدی ماده امر نیست و این ارتکاز کاشف از این مطلب است که ماده امر یک معنای اشتقاقی دارد و یک معنای غیر اشتقاقی دارد و اینگونه نیست که یک معنای واحدی داشته باشد که دو مصداق داشته باشد. خلاصه: اشتقاقی بودن یکی غیر از دیگری و اختلاف در جمع هم کاشف از دو معنا داشتن ماده امر است.

انحصار معنای ماده امر در طلب

مرحوم حاج شیخ اصفهانی میفرماید: معنای ماده امر واحد است و آن معنای واحد، طلب است.

انحصار معنای ماده امر در واقعه مهم

مرحوم نائینی میفرماید: معنای امر واحد است و آن معنای واحد حادثه مهم است.

انحصار معنای ماده امر در فعل

مرحوم بروجرودی فرموده است معنای امر واحد است و آن معنای واحد فعل است زیرا جامع همه ی استعمالات امر فعل است و میتوان فعل را به عنوان جامع برای همه آنها اخذ کرد

جواب از انحصار معنای ماده امر

اولاً انحصاری که در کلمات بزرگان ادعا شده است خلاف ارتکاز است و ثانیاً برای هر کدام مورد نقض میتوان ارائه داد مثلاً مرحوم اصفهانی فرموده است معنای ماده امر فقط طلب است در حالی که وقتی گفته میشود «ان امر فلانی لمرب» به معنای طلب نیست بلکه کار او شک دار است یا نمیتواند معنای امر واقعه مهم باشد کما اینکه محروم نائینی این مطلب را ادعا فرمود زیرا وقتی گفته میشود «ان امر فلانی لیس بمهم» امر به معنای حادثه مهم نیست. یا اینکه به معنای فعل باشد درست نیست زیرا امر به معنا عجیت بودن نیز استعمال شده است در حالی که تعجب فعل نیست.

۱. نه‌ایه‌ الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج ۱، ص ۱۰۳.

۲. اجود التقریرات، نائینی، ج ۱، ص ۸۶.

مورد نقض در ادعای مرحوم آخوند

اینکه مرحوم آخوند نیز فرموده است معنای امر طلب و شیء است درست نیست زیرا اگر معنای امر شیء و طلب باشد پس در جایی که معنای امر طلب نبود باید شیء جایگزین آن بشود درحالی که این گونه نیست مثلاً گفته میشود «زید شیء» نمیتوان معنای طلب را اراده کنیم زیرا معنا ندارد فلذا باید امر در این جا به معنای شیء باشد در حالی که این معنا نیز عرفیت ندارد و معنا ندارد که گفته شود زید چیزی است فلذا گفته میشود که معنای دوم امر شیء نیست و الا در جایی که طلب درست نباشد باید شیء را بتوانیم استفاده کرد در حالی که حمل شیء بر جوامد درست نیست. از طرفی در بعضی موارد امر به معنای طلب درست است ولی شیء را نمیتوان استعمال کرد فلذا به مرحوم آخوند اشکال میشود که شیء نمیتواند معنای امر باشد.

شیء فی الجملة معنای دوم امر

اینکه معنای امر ثنائی است درست است و البته معنای امر، واحد نیست اما بحث و مشکل در این است که علاوه بر معنای طلب معنای دوم امر چه چیزی است فلذا مرحوم شهید صدر خواسته است این مشکل را حل کند و بگوید معنای دوم امر شیء است ولی نه به نحو مطلق. ایشان فرموده است^۱ حمل شیء بر ذوات فی الجملة درست است مثلاً گفته میشود «النار فی الشتاء امر محبوب» در این جا امر به معنای شیء است و النار نیز ذات است. بله بر ذاتی که علم است یا مثل علم است این استعمال غلط است. پس معنای دوم امر شیء است اما نه هر شیء بلکه یک تضییقی دارد.

اطلاق امر بر احداث نه ذوات

این مطلب مشکل را حل نمیکند زیرا قدر متیقن ذوات شیء است ولی شیء بر ذوات اطلاق نمیشود و اینکه ایشان مثال النار فی الشتاء امر محبوب را ذکر کردند درست نیست زیرا امر محبوب نسبت به حدث است و منظور تحقق نار است و الا فرقی بین نار و زید نیست و اطلاق شیء بر آنها خلاف ارتکاز است.

معنای امر، طلب و شیء فی الجملة مبهم

در نهایت باید گفته شود:

- ۱- این مطلب که امر دو معنا دارد درست است
- ۲- اینکه یکی از آن دو معنا طلب است نیز درست است.

۱ بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج ۴، ص ۱۵.

۳- کما اینکه امر به معنای شیء باشد و شیء هم به همان معنای وسعیش نباشد درست است چون مورد نقض دارد

۴- اما اینکه امر به معنا شیء باشد و شیء چه خصوصیتی دارد را نمیتوانیم بفهمیم

معنای اصطلاحی امر

مرحوم آخوند می‌فرماید: ادّعی اتّفاع بر این است که امر در اصطلاح اصولیین برای قول مخصوص وضع شده است منظور اصولی از قول مخصوص عبارت است از «صیغه افعّل» پس مراد اصولی از امر، صیغه مخصوص است و مرادش از اوامر صیغه های مخصوصه «اقیموا الصلاة، اتوا الزکاة، اضرب» است و از نظر اصولی اگر لفظ امر در صیغه افعّل استعمال شود، حقیقت است و اگر در غیر آن معانی دیگری که قبلاً از حیث لغت و عرف آوردیم. استعمال شود مجاز خواهد بود اشکال: اگر معنای اصطلاحی قول مخصوص است، این که معنای جامدی است زیرا هیئت یک واقعیتی است و صدور در آن نهفته نیست و حدّی نیست در حالی که امر به این معنا باید اشتقاقی باشد به عبارت دیگر اگر معنای امر صیغه افعّل باشد، آن معنا قابل اشتقاق نیست و از آن فعل ماضی، مضارع، اسم فاعل و امثال آن مشتق نمی‌شود و آنچه که در این جا مطرح است این است و قابل اشتقاق است، مصادیق صیغه افعّل هست یعنی اضرب، افعّل و اقم قابل اشتقاق می‌باشند اما نفس مفهوم صیغه افعّل یک معنای حدّی و قابل اشتقاق نمی‌باشد

جواب: منظور، طلب به قول مخصوص است یعنی امر طلب به قول مخصوص با شرایطی که دارد باشد و طلب نیز حدث است و قابل اشتقاق است پس معنای اصطلاحی، نفس «صیغه افعّل» نیست بلکه طلب به صیغه افعّل است فلذا معنای اصطلاحی امر، چنین است: «الامر هو الطلب بصیغه افعّل» و اگر طلب، معنای امر شد، طلب دارای معنای حدّی و اشتقاقی می‌باشد و از طرفی صیغه افعّل دالّ بر طلب و کاشف از طلب است لذا در مقام تعریف، دال را به جای مدلول قرار داده شده است ولی صیغه افعّل دلالت بر طلب می‌کرده، کلمه طلب را ذکر نکرده و همان صیغه افعّل را به عنوان معنای اصطلاحی امر معرفی نموده‌اند.

خلاصه: صیغه افعّل با اینکه «لفظ» است، می‌توان عنوان طلب و امر به آن داد. امر در اصطلاح همان هیئت مخصوصه است بعد که اشتقاق صورت گرفته است از معنای لغوی اخذ کرده اند و چه لزومی دارد که اشتقاق از معنای اصطلاحی اخذ شده باشد تا به مشکل مواجه شوید و مجبور به تاویل شوید

مرحوم آخوند می‌فرماید: لزومی ندارد بیش از این درباره معنای اصطلاحی بحث کنیم و فائده‌ای بر آن مترتب نیست بلکه باید بحث از این مطلب شود که آیا تمام استعمالات مذکور به نحو حقیقت است یا اینکه یکی از آنها حقیقت و بقیّه به صورت مجاز

می‌باشد و در صورتی که تمام آنها به نحو حقیقت باشد، آیا به نحو اشتراک لفظی است یعنی ماده امر، معانی حقیقیّه متعدّدی دارد یا اینکه به صورت مشترک معنوی است یعنی یک قدر جامع و مفهوم واحدی متصور است که لفظ امر مشتمل بر تمام آن معانی هست؟

قبلا بیان کردیم که اصولیین در تعارض احوال و دوران امر، بین مشترک لفظی و معنوی هر کدام مرجّحاتی برای خود ذکر کرده‌اند اما پاسخ این است که هیچ‌یک از مرجّحات آنها فائده‌ای ندارد و مشکلی را حل نمی‌کند زیرا آن مرجّحات و بیانات دارای حجّیت و اعتبار نیست.

انصراف از لفظ امر

مرحوم آخوند می‌فرماید: متبادر و ظاهر عرفی از لفظ امر عند الاطلاق همان معنای طلب است لذا اگر امر استعمال شود و قرینه‌ای نداشته باشد باید آن را بر معنای مذکور حمل نمود و سایر معانی، امتیازی ندارند مگر اینکه دارای قرینه باشند.

عجیب است که مرحوم آخوند این ادعا را دارند زیرا بحث انصراف در این جا منتفی است چون امر به معنای طلب و امر به معنای شیء دو سیاق مجزا دارند و هیچ وقت شک در این مورد پیش نمی‌آید تا بحث شود انصراف به کدام یک از دو معنا دارد.